

### متن پرسش

«إِلٰهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْفُهُ» سلام استاد. به کمک آموزه ها و اشارات حضرتعالی، بنده هم تجربه کردم هر وقت با بشر امروز که تا حدود زیادی تحت تأثیر روح مدرنیته است، با ادبیات کهنه ی دینی و وعده های نسیه سخن بگیم موضع میگیره. اما اگر او رو با خودش و افق وجودی گسترده ی خودش روبرو کنیم به شدت به فکر فرو میره. مثلاً اگر بگیم نماز بخون که به بهشت بری یا جهنم نری به شدت بدش میاد. ولی اگر بگیم عبادت کن تا همین الان در ذیل انوار الهی قرار بگیری و در ساحت گشوده تری وارد بشی و جانت سیراب و تغذیه بشه و به آرامش حقیقی دست پیدا کنی، به شدت متأثر میشه. راز این مسأله کجاست؟ (حتی قیامت و بهشت و جهنم رو هم اگر با افق حضوری و وجودی براش تبیین کنیم، بسیار فرق میکنه تا اینکه به صورت حصولی و وعده وعیدهای نسیه براش صحبت کنیم).

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این به جهت آن است که انسان جدید خود را در خود جستجو می کند و می خواهد از درون متوجه حقایق شود. در این مورد خوب است به قسمت دوم مصاحبه ای که با مجله سوره شد، رجوع فرمایید. <https://eitaa.com/matalebevijeh/12424> موفق باشید